

## فنون مشاوره و راهنمایی قرآنی

جواد عینی پور<sup>۱</sup>

### چکیده

**زمینه و هدف:** قرآن به عنوان کامل ترین کتاب هدایت گر انسان، برای مشاوره و راهنمایی افراد فنون و فن‌ها و شیوه‌های مؤثر و کارآمدی را عرضه می‌کند که شناخت دقیق ماهیت آن می‌تواند، نگاهی نو در درمان و برطرف کردن مسائل روان‌شناختی تلقی گردد. این تحقیق باهدف شناسایی و تعریف مشاوره و راهنمایی قرآنی، فنون و روش‌های آن انجام شده است.

**روش:** این تحقیق با روش کیفی تحلیل مضمون انجام شده است؛ به این نحو که آن دسته از آیات قرآنی که از آن‌ها ویژگی مشاوره و راهنمایی استنباط می‌شد، فهرست گردید و از مضامین موجود در آن‌ها برای شناسایی چپستی و ماهیت، روش‌ها و شیوه‌های مشاوره و راهنمایی قرآنی استفاده شد و همچنین اختلال‌ها، مسائل و مشکلاتی که باید مورد درمان و رفع و برطرف شدن قرار دهند، به همین شیوه در قالب شبکه مضامین شناسایی شد.

**یافته‌ها:** تحلیل مضامین نشان داد که دو ویژگی ایمان و طهارت از صفات کلیدی رهنمون‌گر قرآنی است. شیوه‌های تمایل فطری، موعظه، روش یادآوری نعمت‌های گذشته و تشویق، روش انذار و برحذر داشتن، مجادله احسن، تفکر و تدبیر در انفس و وارسی محیط روش‌های مهم رفع اختلال‌ها و مسائل محسوب می‌شوند. مضامین اساسی ناشی از ضعف در ایمان و شناخت شامل جدل و مجادله بدون علم کافی، تولای شیطان، فراموشی یاد خدا، هوازگی توسط شیطان، اسراف و نفاق است.

**نتیجه‌گیری:** در مشاوره و راهنمایی قرآنی رهنمون‌گر برای اشاعه خیر در گیتی کوشش می‌کند و دیگران را به صراط ایمان و نور هدایت می‌کند. رهنمون‌جو کسی است که به علت ضعف در ایمان و شناخت به انواع فتنه‌ها دچار شده است و برای خروج از فتنه و سربلندی در آزمون‌های زندگی، نیاز به رهنمود دارد. رهنمودجو اگر از رهنمونگر مومن و مطهر استفاده نکند، به دامن فساد می‌افتد چرا که به هر اندازه‌ای که در ایمان دچار ضعف گردیده است، تولای شیطان را پذیرفته است و شیطان جز فساد کشیدن زندگی افراد منظور و مقصود دیگری ندارد.

**کلیدواژه‌ها:** رهنمون‌گر، رهنمودجو، اختلال، هدایت، فساد

<sup>۱</sup> استادیار گروه روان‌شناسی، دانشکده علوم و فنون منابع سازمانی، دانشگاه علوم انتظامی امین، تهران، ایران. [Jo000.einipour@gmail.com](mailto:Jo000.einipour@gmail.com)

## مقدمه

قرآن شفادهنده مرض‌های روانی است؛ قرآن ۴ ویژگی دارد که در آیه زیر بیان شده است: أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ مَوْعِظَةٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَشِفَاءٌ لِّمَا فِي الصُّدُورِ وَهُدًى وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ [۱]. مرحوم علامه در تفسیر آیه بالا می‌نویسد: شفا آنچه در سینه‌هاست دو تعبیر کنائی است و کنایه است از اشاره به معنای رحمان و رحیم و مراد از اینکه قرآن برای مؤمنان رحمت است این که آن حالت بد و خبیث روحی‌ای که داشتیم و مرا به سوی شقاوت و بدبختی سوق می‌داد و عیش مرا مکدر می‌ساخت و خیر دنیا و آخرت مرا از بین می‌برد، از بین رفت و زایل گردید.

کلمه «هدی» به معنای راهنمایی به سوی مطلوب است اما به طوری که راغب گفته است به لطف و نرمی و کلمه رحمت به معنای تأثر قلب است؛ اما نه هر تأثیری، بلکه تأثر خاصی که از مشاهده ضرر و یا نقص در دیگران به آدمی دست می‌دهد و آدمی را وامی‌دارد که در مقام جبران ضرر و اتمام نقص او برآید. وقتی این کلمه به خدا نسبت داده می‌شود، دیگر به معنای تأثر قلبی نیست بلکه به معنای نتیجه آن تأثر است؛ یعنی این که در مقام جبران نقص طرف برآید. پس اینکه می‌گوییم خدا رحیم است معنایش این است که نقص بنده را جبران نموده حاجتش را برآورده و بیماری‌اش را شفا می‌دهد و در یک عبارت جامع: «رحمت خدا منطبق است به اعطای او و افاضه وجود بر خلقش».

توصیف قرآن به چهار صفت «موعظه، شفای درون، هدایت و رحمت بودن» در آیه شریفه بیان جامعی است برای همه آثار طیب و نیکوی قرآن کریم و معنایش این است که تنها مؤمنان را غرق در انواع خیرها و برکت‌ها می‌کند. خیرها و برکت‌هایی که خدای تعالی آن‌ها را در قرآن نهفته و قرآن را خزینه آن خیرها کرده تا هر کس که متحقق به حقایق شود و معانی آن را در خود پیاده کند از آن خیرها بهره‌مند شود و ما اگر این چهار صفتی را که خدای سبحان در این آیه برای قرآن شمرده، مقایسه نموده، خواهیم دید که آیه شریف بیان جامعی است برای همه آثار طیب و نیکوی قرآن که در نفوس مؤمنان ترسیم می‌شود. آری، قرآن در اولین برخوردش با مؤمنان آنان را چنین درمی‌یابد که در دریای غفلت فرورفته و موج حیرت از هر سو به آنان احاطه یافته و در نتیجه باطن آنان را به ظلمت‌های شک و ریب تاریک ساخته و دل‌هایشان را به انواع رذایل و صفت‌ها و حالت‌های خبیث بیمار ساخته است.

فلذا در مرحله اول:



شکل ۱: چرخه اصلاح رفتار قرآنی

در مرحله دوم شروع می‌کند به پاک‌سازی باطن آن‌ها از هر صفت خبیث و زشت و به‌طور دائم آفت‌هایی را از عقل آنان و بیماری‌هایی را از دل آنان یکی پس از دیگری زایل می‌سازد تا جایی که به کلی رذایل باطنی انسان‌ها مؤمن را

زایل می‌سازد. در مرحله سوم، آنان را به‌سوی معارف حق و اخلاق کریم و اعمال صالح دلالت و راهنمایی می‌کند... و در مرحله چهارم جامه رحمت بر آنان پوشانیده در دار کرامت منزلشان می‌دهد و بر اریکه سعادت مستقرشان می‌سازد. با توجه به آنچه گفته شد، سوال اساسی این مقاله آن است که فنون مشاوره و راهنمایی قرآنی کدامند؟

## روش

این تحقیق به روش کیفی تحلیل مضمون انجام شده است. در ابتدا مضامین پایه (کدها و نکات کلیدی متن)، مضامین سازمان‌دهنده (مضامین به دست آمده از ترکیب و تلخیص مضامین پایه) و مضامین فراگیر (مضامین عالی دربرگیرنده اصول حاکم بر متن به مثابه کل) شناسایی شدند؛ بدین‌شویه کلیه آیات قرآنی که حاوی مضامین دلالت‌کننده بر مشاوره و راهنمایی بودند، جمع‌آوری گردید. سپس مضامین سازمان‌دهنده شناسایی شده در آنها، در قالب چند طبقه از مضامین فراگیر به شرح زیر صورت‌بندی گردیدند: الف- معادل‌یابی مشاوره و راهنمایی در قرآن ب- وظیفه مشاور و راهنما از نظر قرآن ج- روش‌های مشاوره قرآنی و معادل‌یابی آنها در روان‌شناسی نوین د- علت پیدایش اختلال از دید قرآن ه- نیازمندان به راهنمایی از دیدگاه قرآن ز- افراد نیازمند به مشاوره از دیدگاه قرآن ح- انواع اختلال‌ها و روان‌پریشی‌ها و ناسازگاری‌ها از دیدگاه قرآن. در نهایت شبکه مضامین فنون مشاوره و راهنمایی قرآنی ترسیم گردید.

## یافته‌ها

### الف- معادل‌یابی مشاوره و راهنمایی در قرآن

در قرآن مجید معادل‌های مشاوره تخصصی را نمی‌توان صرفاً با آیه‌های مرتبط با کلمه‌های ریشه (شور) استنباط کرد. مشاوره در قرآن، دامنه واژگان با ریشه «وعظ» و «ذکر» و «شور» را در برمی‌گیرد. به‌طور کلی، می‌توان راهنمایی را معادل کلمه‌های (موعظه؛ هدایت) قرآنی و مشاوره را معادل کلمه (ذکری) قرآنی دانست. هم‌چنین اقدام و مداخله مشاوره‌ای را می‌توان معادل آیه قرآنی (تذکر، دلالت) تلقی نمود. پیشگیری عبارت است از پناه بردن به خداوند و درمان را ایمان به او و تصدیق آیات او در نظر گرفت.

ردیف	اصطلاح‌های رشته روانشناسی و مشاوره	معادل‌های مشاوره قرآنی آنها
۱	مشاور	رهنمون‌گر
۲	مراجع	رهنمون جو
۳	اختلال (بیماری روانی)	فساد
۴	مشکل	فتنه
۵	سلامت روانی	طهارت
۶	مداخله	هدایت

### ب- وظیفه مشاور و راهنما از نظر قرآن

یک «روان‌درمانگر» و یا «مشاور و راهنمای مسلمان موحد معتقد به مبانی توحیدی قرآن» که در اصطلاح مشاوره قرآنی «هادی؛ رهنمون‌گر» نامیده شود، کسی است که وظیفه‌اش حفظ کردن و دور کردن افراد از جمیع مرض‌های ناشی از شیطان رجیم است. افرادی که از این امراض خلاصی می‌یابند، به ترتیب مسلمان، مؤمن، متقی، مقرب نامیده

می‌شوند. مرض‌های ناشی از شیطان در مرتبه مسلمانی با مرتبه مؤمنی فرق دارد. همانطور که در مراتب متقی و مقرب این مرض‌ها متفاوت است.

به همین سیاق «مراجع» در شیوه مشاوره قرآنی را می‌توان «رهنمون‌جو» نام گذاشت. فرد مبتلابه مرض‌های شیطانی در صورت عدم رجوع به مشاور قرآنی «لازم‌الهدایه» و یا «رهنمون‌نیاز» است. بر اساس آنچه از قرآن فهمیده می‌شود همه افراد تا زمانی که به مرتبه نهائی یعنی مرتبه «راضیه مرضیه» نرسیده باشند نیازمند هدایت‌جویی تلقی می‌گردند؛ اما در مشاوره قرآنی، مشاور حق تحمیل خویش به «رهنمون‌نیاز» را ندارد. بلکه رهنمون‌جو و رهنمون‌گر ساعت‌های منظمی را در کنار هم می‌گذرانند که در آن ساعت‌ها مشاور «بابی» را برای رهنمون‌جو باز خواهد کرد تا وی بتواند با ورود به آن درگاه، از شرّ مرض‌های ناشی از شیطان خلاص شود. این «باب» که در حقیقت باب رضوان نامیده می‌شود از مخفی‌ترین درها محسوب می‌گردد. هنر مشاور قرآنی این است که اولاً این باب را شناسایی کرده و طریقه‌های کمک به رهنمون‌جویان برای ورود به آن را نیز بداند.

### ج- روش‌های مشاوره قرآنی و معادل‌یابی علمی آن‌ها

#### ۱- ذکر تمایل فطری (روش‌های مبتنی بر پدیدارگرایی و انسان‌نگری؛ خود شکوفایی)

در این روش رهنمون‌گر تلاش می‌کند که رهنمون‌جو را با تمایل‌های فطری وی روبرو سازد. تمایل‌های فطری به آن دسته از گرایش‌های «خود» اطلاق می‌شود که برآورده شدن آن‌ها لزوماً موجب رضایت خود می‌گردد. این گرایش‌ها به ۲ قطب تقسیم می‌شوند:

#### الف- قطب مثبت

#### ب- قطب منفی

کلاً در ارگانیزم انسانی، ۹ میل دوقطبی وجود دارد که رویهمرفته در ۱۸ میل سامان می‌یابند. این تمایل‌ها عبارت‌اند از:

امیال دوقطبی	
میل به تقرّب پس از بُعد	میل به بُعد پس از تقرّب
میل به جذب پس از دفع	میل به دفع پس از جذب
میل به فعالیت پس از رکود	میل به رکود پس از فعالیت
میل به علم پس از جهل	میل به جهل پس از علم
میل به سرما پس از گرما	میل به گرما پس از سرما
میل به فرود پس از صعود	میل به صعود پس از فرود
میل به قید پس از رهایی	میل به رهایی پس از قید
میل به عدم پس از بقاء	میل به بقاء پس از عدم
میل به نیرو پس از ضعف	میل به ضعف پس از نیرو

ثبت به‌سوی اکتساب و فراگیرش و قطب منفی به‌سوی آزادسازی و از بین رفتن متمایل است. چون انسان سالم کسی است که بتواند در نوسان قطب‌های مثبت و منفی امیال فطری خویش احساس رضایت کند، به همین خاطر بر اساس مشاوره قرآنی، رهنمون‌گر رهنمود جو به درک عمیق‌تر تمایل‌های فطری سوق داده می‌شوند. جلسه‌ها در ابتدا با حضور مشاور است و بعد از پیدا کردن بینش به‌اندازه کافی به‌صورت خودگردان برگزار خواهد شد. در چنین حالتی فرد در

اتاق مشاوره در موقعیت زمینه‌ای امیال خویش قرار می‌گیرد تا آن‌ها را عمیقاً احساس کند. مثلاً به دو نمونه از این موقعیت زمینه‌ای توجه کنید:

- ✓ رهنمودگر از رهنمودجو می‌خواهد که به پارک بازی برود و سوار چرخ‌وفلک گردد و در حین بالا رفتن و پائین آمدن تمایل فطری خویش را به‌سوی صعود و فرود واری کند.
- ✓ از طریق نورپردازی و ایجاد احساس بالا رفتن در فرد وی را به‌سوی قله هدایت می‌کنند و سپس از طریق صحنه‌سازی نوری وی را به‌سوی پائین هدایت می‌کنند تا وی پس از رسیدن به نوک قله تمایل شدید خویش برای پائین آمدن را تجربه نماید و تمایل خویش به بالا رفتن را از جایگاه پائین حس کند.

با این شیوه امید بر این است که هدایت جو در موقعیت‌های دیگر نیز نخست: بر احساس‌های خویش آگاهی کامل پیدا کند؛ دوم: در هر مرحله از فراز و فرود تنها چیزی را که احساس کند رضایت باشد؛ سوم: تنظیم فراز و فرود تمایل خویش را شخصاً بر عهده گیرد. هدف این شیوه آن است که فرد را در هر نقطه واقع بر پیوستار امیال، قادر به احساس رضایت کردن کند. هم‌چنین فرد را قادر می‌کنند که به‌صورت جهشی و سریع به فراسوی افراطی پیوستار سیر نماید. فردی که به شخصی زیاد علاقه‌مند شده است باید بتواند در صورت کاهش روابط و رفتن به فراسوی بی‌علاقگی احساسات عمیق رضایت را تجربه کند.

حال نگاهی به آیه‌های قرآن می‌اندازیم که این شیوه را بهتر درک کنیم: *وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِ إِنَّنِي بَرَاءٌ مِّمَّا تَعْبُدُونَ \* إِلَّا الَّذِي فَطَرَنِي فَإِنَّهُ سَيَهْدِينِ \* وَجَعَلَهَا كَلِمَةً بَاقِيَةً فِي عَقِبِهِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ [۲]*؛ و چون ابراهیم به ناپدری خود و قومش گفت من واقعا از آنچه می‌پرستید بیزارم مگر از آن کس که مرا پدید آورد و البته او مرا راهنمایی خواهد کرد. او آن را در پی خود (در نسل‌های خویش) سخنی جاویدان کرد، باشد که آنان بازگردند. ابراهیم در کشاکش دغدغه و تنش فکری خویش برای پرستش و بیرون آمدن از تنهایی، بهترین راه رضایت خویش را در تبعیت از کسی دید که او را فطرت گذار خویش دانست. بازگشت به فطرت برای ابراهیم، حلال مشکل‌های فکری و سازگاری وی بوده است. مشاور به‌عنوان رهنمود گر باید این بازگشت را برای افراد دیگر هم پیشنهاد کند.

وقتی می‌گوید «مگر کسی که مرا سرشت» منظورش این است که او (عزّ و جلّ) از من جدا نیست. می‌خواهد بگوید که او (عزّ و جلّ) با من عجین است. برای این پرستش و عبادت فقط کافی است که من همانی باشم که هستم. نه اینکه کسی باشم که نیستم.

*قَالُوا لَنْ نُؤْتِكَ عَلَى مَا جَاءَنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَالَّذِي فَطَرَنَا فَاقْضِ مَا أَنْتَ قَاضٍ إِنَّمَا تَقْضِي هَذِهِ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا [۳]*؛ جادوگرانی که به مبارزه موسی آمده بودند در جواب تهدید فرعون گم سرشت گفتند که هرگز ترا بر آنچه از بینات بر ما رسید و کسی که ما را سرشت بر نخواهیم گزید. تو می‌توانی بگذرانی بر ما آنچه را که گذراننده‌ای. تو صرفاً می‌توانی (حوادث) این حیات دنیوی را بگذرانی.

جادوگران وقتی که به امیال فطری خویش (که در اینجا میل به علم پس از جهل و میل به جذب پس از بُعد است) رجوع کردند به چنان رضایتی رسیدند که دیگر از عذاب و زجر دنیا نهراسیدند و ترجیح دادند که بر طبق امیال فطری خویش به‌سوی خداوند رجوع نمایند؛ بنابراین مشاهده می‌شود که رجوع به فطرت می‌تواند فرد را قادر به تحمل مشکلات دنیایی بنماید. به‌راستی موسی بر جادوگران چه عرضه کرده بود؟ آنچه استنباط می‌شود این است که موسی به آن‌ها بینات ارائه کرده بود؛ یعنی مجموعه‌ای از روشنگری‌ها و توضیحات الهی را برای آن‌ها ارائه داده بود. یکی از این بینات، کاری (انداختن عصا و بلعیده شدن مارهای آن‌ها) بود که جادوگران فهمیدند این کار جادوگری نیست.

بنابراین رهنمودگر در اصل باید برای رهنمودجویان خویش بینات عصر خویش را ارائه کند که همان آیه‌های الهی قرآن باشد. آیه‌های قرآن به نحوی نازل شده است که هر صاحب ادراکی می‌تواند به بینه بودن آن یقین نماید. برای هر رهنمودجو، بسته به مشکل او باید مجموعه‌ای خاص از این آیه‌ها ارائه شود. برای فضیل عیاض یک آیه: **أَلَمْ يَأْنِ لِلَّذِينَ آمَنُوا أَنْ تَخْشَعَ قُلُوبُهُمْ لِذِكْرِ اللَّهِ وَمَا نَزَلَ مِنَ الْحَقِّ وَلَا يَكُونُوا كَالَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلُ فَطَالَ عَلَيْهِمُ الْأَمَدُ فَقَسَتْ قُلُوبُهُمْ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ فَاسِقُونَ** [۴]؛ آیا وقت آن نرسیده است برای آنان که ایمان آورده اند تا قبله‌ایشان برای ذکر خداوند و آنچه خداوند نازل کرد از حق، فروتن گردد و مانند کسانی نباشند که از قبل به آن‌ها کتاب داده شد، پس روزگاری بر آنها گذشت و دل‌هایشان سنگ شد و بیشتر آنها فاسق هستند، کفایت کرد چون بینه او همان بود.

برای رهنمودجویی که با مشکل عدم تمایل به بچه‌دار شدن مراجعه کرده باشد، می‌توان از این آیه استفاده کرد: **وَ عَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ وَعَسَى أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَهُوَ شَرٌّ لَكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ** [۵]؛ بسا چیزی را خوش نمی‌دارید و آن برای شما خوب است و بسا چیزی را دوست می‌دارید و آن برای شما بد است و خدا می‌داند و شما نمی‌دانید.

اینک نگاهی اجمالی به آیاتی می‌اندازیم که مؤید ذکر تمایل فطری به‌عنوان، یکی از روش‌های مشاوره قرآنی هستند:

**فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَةَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ** [۶]؛ **إِنِّي وَجَّهْتُ وَجْهِيَ لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ حَنِيفًا وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ** [۷]؛ **وَمَا لِي لَا أَعْبُدُ الَّذِي فَطَرَنِي وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ** [۸]؛ **يَا قَوْمِ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى الَّذِي فَطَرَنِي أَفَلَا تَعْقِلُونَ** [۹]؛ **أَوْ خَلَقْنَا مِمَّا يَكْبُرُ فِي صُدُورِكُمْ فَسَيَقُولُونَ مَنْ يُعِيدُنَا قُلِ الَّذِي فَطَرَكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ فَسَيُنْغِضُونَ إِلَيْكَ رُءُوسَهُمْ وَيَقُولُونَ مَتَى هُوَ قُلْ عَسَى أَنْ يَكُونَ قَرِيبًا** [۱۰].

## ۱. موعظه (اصلاح شناختی؛ درمان تعقلی - هیجانی؛ شناخت درمانی)

یکی دیگر از شیوه‌های قرآنی مشاوره موعظه و یا پند است. در شیوه موعظه رهنمود جو از انجام اعمالی ترسانده می‌شود و به انجام اعمالی تشویق و تحریک می‌شود. هم منابع ترس و هم منابع تشویق باید ریشه در مفهوم رضایت داشته باشد. توجه هر دو جهت موعظه باید متمرکز بر کسب رضایت بیشتر باشد.

به این آیه نگاه کنید تا به مفهوم موعظه قرآنی پی ببریم: **أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَشِفَاءٌ لِمَا فِي الصُّدُورِ وَهُدًى وَرَحْمَةً لِّلْمُؤْمِنِينَ** [۱۱]. در تفسیر علامه می‌خوانیم: «راغب در کتاب مفرداتش گفته: ماده «وعظ» به معنای بازداشتن و منع کردن کسی است از کاری همراه با ترسانیدن. ونیز گفته است که خلیل گفته: وعظ به معنای تذکر دادن است به انجام عملی خیر به بیانی که دل شنونده را برای پذیرفتن آن تذکر نرم کند...».

در روش موعظه دو صورت مجزا قابل تشخیص است:

## ۲. روش یادآوری نعمت‌های گذشته و تشویق

در این شیوه ابتدا نعمت‌های گذشته بر او شمارش می‌گردد و سپس او را به پاسداشت آن نعمت‌ها به کاری نیکو سفارش می‌کنند. به یک نمونه از این شیوه دقت کنید: **أَلَمْ يَجِدْكَ يَتِيمًا فَآوَى وَوَجَدَكَ ضَالًّا فَهَدَى وَوَجَدَكَ عَائِلًا فَأَغْنَى فَأَمَّا الْيَتِيمَ فَلَا تَهْهُوْا وَأَمَّا السَّائِلَ فَلَا تَنْهَوْا وَأَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ** [۱۲].

آیا تو را یتیم نیافت، پس پناه داد و سامانت بخشید. و تو را سرگشته یافت، پس هدایت کرد و تو را تهی دست یافت و بی نیاز کرد. (حال که چنین است) پس بر یتیم قهر و تندی مکن. و سائل را از خود مران و نعمت پروردگارت را (برای سپاس) بازگو کن.

### ۳. روش انداز و برخذر داشتن

قرآن به عنوان یک موعظه یاد شده است؛ مثلاً به این آیات دقت کنید: هَذَا بَيَانٌ لِلنَّاسِ وَهُدًى وَمَوْعِظَةٌ لِّلْمُتَّقِينَ [۱۳] وَكَلَّمَ تَقْصُّ عَلَيْكَ مِنْ أَنْبَاءِ الرُّسُلِ مَا نُنَبِّئُ بِهِ فُؤَادَكَ وَجَاءَكَ فِي هَذِهِ الْحَقُّ وَمَوْعِظَةٌ وَذِكْرٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ [۱۴].

در این شیوه گوشزد می گردد که الَّذِينَ يَنْتَقِضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ [۱۵]. همانانی که پیمان خدا را پس از بستن آن می شکنند و آنچه را خداوند به پیوستنش امر فرموده می گسلند و در زمین به فساد می پردازند آنانند که زیانکاران اند. در قرآن به شیوه اجرای تکنیک موعظه نیز اشاره شده است: ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ [۱۶].

اینک چند نمونه دیگر از مواردی که به استفاده از تکنیک موعظه (راهنمایی) در مشاوره قرآنی اشاره دارد، توجه کنید:

- موعظه به باز پس دادن امانت‌ها، حکم به عدل و داد: ان الله يامرکم ان تودوا الامت الی اهلها و اذا حکمتم بین الناس تحمکوا بالعدل ان الله نعمای يعظکم به ان الله سمیعاً بصیراً [۱۷].
- موعظه به فرزند در مورد عدم شرک به خدا: واذ قال لقمان لابنه وهو يعظه یا بنی لا تشرک بالله ان الشرک لظلم عظیم [۱۸].
- موعظه به عدل و نیکوکاری و بخشیدن به نزدیکان و دوری از فحشا و کارهای زشت و سرکشی: ان الله یامر بالعدل والاحسان وایتاء ذی القربی وینهی عن الفحشاء والمنکر والبغی يعظکم لعلکم تذكرون [۱۹].
- موعظه به عدم گشتن به گرد منافقان: يعظکم الله ان تعودوا لمثله ابدان کنتم مومنین [۲۰].
- موعظه درباره عدم درخواست شفاعت برای فرزند غیر صالح به نوح (ع): قال یا نوح انه لیس من اهلک انه عمل غیر صالح فلا تسئلن ما لیس لک به علم انی اعظک ان تکون من الجاهلین [۲۱].
- موعظه به قیام برای خداوند و تفکر درباره اینکه پیامبر مجنون نیست: قل انما اعظکم بواحدہ ان تقوموا لله مثنی وفرادی ثم تتفکروا ما بصاحبکم من جنه ان هو الا نذیر لکم بین یدی عذاب شدید [۲۲].
- موعظه به زنانی که خوف خروج آن‌ها از حکم و رضایت همسرانشان می رود: الرجال قوامون علی النساء... واللاتی تخافون نشوزهن فعظوهن واهجرهن فی المضاجع واضربوهن فان اطعنکم فلا تبغوا علیهن سبیلاً ان الله کان علیا کبیراً [۲۳].





أَنْتَى لَا أُضِيعُ عَمَلَ عَامِلٍ مِنْكُمْ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْتَى [۳۴]

من (خداوند) عمل هیچ عاملی از شما مرد و زن را تباہ نمی‌کنم.

كُلَّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِينَةً [۳۵]

هر نفسی مرهون آن چیزی است که کسب نموده است.

#### د- علت پیدایش اختلال از دید قرآن

در قرآن همه اختلال‌های روانی (فسادها) ناشی از تبعیت از شیطان تلقی شده است. همه مرض‌ها و همه ناخوشی‌های روحی روانی و ناتعادلی‌های روانی، مصدور از شیطان و وسوسه‌های این خناسِ ساعی ذکر شده است. حالت‌های مختلف اختلال و مشکل روانی (فساد و فتنه) در اتباع از شیطان دیده شده است.

قَالَ فَبِعِزَّتِكَ لَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ [۳۶]. «۸۲»

ابلیس گفت: به عزت تو سوگند که همه (ی مردم) را گمراه خواهم کرد.

#### ه- نیازمندان به راهنمایی از دیدگاه قرآن

در قرآن همه طیف افراد نیازمند راهنمایی (موعظه) در نظر گرفته شده‌اند. باهم به آیه‌های زیر نظر می‌کنیم:

يا ايها الناس قد جاءكم موعظه من ربكم وشفاء لما في الصدور وهدى ورحمة للمومنين [۳۷]. ای مردم، برای شما از سوی پروردگارتان پندی آمده است و شفای آنچه در سینه‌هاست و راهنمایی و رحمت برای جهانیان.

هم‌چنین در این آیه‌ها همه جهانیان نیازمند موعظه الهی متنازل در مجموعه مبارک قرآن خطاب شده‌اند:

واذكروا نعمه الله عليكم وما انزل عليكم من الكتاب والحكمة يعظكم به واتقوا الله واعلموا ان الله بكل شيء عليم [۳۸]؛ و یاد کنید نعمت خداوند بر شما را و آنچه فرو فرستاده شد بر شما از کتاب و حکمت، پند می‌دهد شما را بدان و از خداوند بپرهیزید و بدانید که خداوند به همه چیز آگاه است. هذا بيان للناس وهدى وموعظه للمتقين [۳۹]؛ این (کتاب) روشنگری‌ای برای مردم است و هدایت و موعظه‌ای برای پرهیزگاران. وکلا تقص عليك من انباء الرسل ما نثبت به فؤادك وجاءك في هذه الحق وموعظه وذكرى للمومنين [۴۰]؛ وکلاً حکایت می‌کنیم بر تو از اخبار پیامبران - آنچه قلب تو بدان استوار می‌گردد- و همانی که بر تو در این حق (قرآن) آمده است و موعظه و یادگفتاری برای مؤمنان. وکتبنا له فی الالواح من کل شیء موعظه و تفصيلاً لكل شیء فخذها بقوة و امر قومك ياخذوا باحسنها ساوریکم دار الفاسقين [۴۱]؛ و نوشتیم برای او در الواح از هر چیزی - موعظه و شرح هر چیزی - پس آن را به قوت بگیر و قوم ترا بدان امر کن به بهترین وجه آنرا اکتساب کنند، سرای بدکاران را به شما خواهیم نمود. فجعلناها نکلاً لما بین یدیهما و ما خلفها و موعظه للمتقين [۴۲]؛ پس انرا مایه عبرتی برای آنچه در پیشروست وان چه که در گذشته است قرار دادیم و موعظه‌ای برای پرهیزگاران. وقفینا علی آثارهم بعیسی ابن مریم مصدقاً لما بین یدیه من التورثه و اتیناه الانجیل فیہ هدی ونور و مصدقاً لما بین یدیه من التورثه وهدى و موعظه للمتقين [۴۳]؛ و به دنبالشان عیسی پور مریم را قافیه کردیم (مثل آن‌ها فرو فرستادیم) - مصدقی برای

آنچه در پیشروی خود از تورات داشت- و بدو انجیل دادیم که در آن هدایت و نور بود و مصدقی بود برای آنچه در پیشروی خود از تورات داشت و هدایتی بود و موعظه‌ای برای پرهیزگاران. قالوا سواء علينا او عظمت ام لم تکن من الواعظین [۴۴]؛ گفتند یکسان است بر ما: چه ما را موعظه کنی و چه اینکه از موعظه کنندگان نباشی. واذ قالت امه منهم لم تعظون قوما لله مهلكهم او معذبهم عذابا شديدا قالوا معذرة الي ربكم ولعلمهم يتفون [۴۵]؛ و هنگامی که که جمعیتی از آنان گفتند؛ برای چه قومی را موعظه می‌کنید که خداوند یا کشنده آن‌هاست و یا عذاب کننده به عذابی شدید. گفتند برای رفع عذرشان نزد خداوند شاید که پرهیزگار گردند. اولئك الذين يعلم الله ما في قلوبهم فاعرض عنهم وعظهم وقل لهم في انفسهم قولا بليغا [۴۶]؛ آنان همان‌هایی هستند که خداوند می‌داند آنچه در قلب‌هایشان است، پس روی بگردان از آنان و پند ده آنان را و بگو برایشان در خودشان گفتاری رسا.

### ز- افراد نیازمند به مشاوره از دیدگاه قرآن

در قرآن مجید، نرم‌خو بودن و استغفارجویی برای مسلمانان، به عنوان ویژگی‌هایی در نظر گرفته شده است که منتهی به جذب قلوب مؤمنین می‌گردد و سفارش شده است که با آنها هم‌پرسی و مشورت صورت گیرد: فيما رحمه من الله لنت لهم ولو كنت فظا غليظ القلب لانفضوا من حولك فاعف عنهم واستغفر لهم وشاورهم في الامر فاذا عزمت الامور فتوكل على الله وان الله يحب المتوكلين [۴۷]. در برخی از آیه‌ها مستقیماً به فواید مشاوره تأکید شده است؛ مثلاً با اشاره به کسب آرامش حقیقی با ذکر و مشاوره ربّانی و منجر شدن به طمأنینه قلب‌ها آمده است: الذين آمنوا وتطمئن قلوبهم بذكر الله الا بذكر الله تطمئن القلوب [۴۸]. هم‌چنین با اشاره به سودمند بودن ذکر و مشاوره ربّانی برای دوری از وسوسه‌های شیطانی نازل شده است: ان الذين اتقوا اذا مسهم طائف من الشيطان تذكروا فاذا هم مبصرون [۴۹].

بر اساس دیدگاه قرآن، افرادی که باید مورد مشاوره (ذکر) قرار گیرند را می‌توان در چند دسته تقسیم‌بندی کرد:

**الف- همه جهانیان:** در دیدگاه قرآن هیچ کس از «مشاوره و ذکر» بی‌نیاز نیست؛ در آیاتی به یادآوری بودن آنچه در قرآن- که برای همه جهانیان نازل شده است- نازل شده است، اشاره شده است. مثلاً: انا نحن نزلنا الذكر وانا له لحافظون [۵۰]؛ ان هذه تذكرة فمن شاء اتخذ الى ربه سبيلا [۵۱]؛ انزلنا اليك الذكر لتبين للناس ما نزل اليهم ولعلمهم يتفكرون [۵۲]. در آیه به مقاومت مردم در مقابل ذکر و مشاوره اشاره شده است: اتبعوا ما انزل اليكم من ربكم ولا تتبعوا من دونه قليلا ما تذكرون [۵۳].

**ب- خاشعان:** در آیاتی از قرآن به یادآور بودن مجموعه قرآن برای کسانی که دلی خاشع دارند، اشاره شده است. مثلاً: الا تذكرة لمن يخشى [۵۴].

**ج- مؤمنان:** در برخی از آیات به نافع بودن و سودمندی مشاوره (ذکر) برای مؤمنان اشاره شده است: وذكر فان الذكرى تنفع المؤمنين [۵۵]. برای تکمیل منظور، خاطر نشان می‌گردد که از ویژگی‌های مشاوران انعطاف‌پذیری (لین بودن) و پذیرش نامشروط مراجع (استغفارجویی) است که همین ویژگی به پیامبر نیز سفارش شده است.

د- برخورداران از نعمتها و رفاه: در آیاتی از قرآن، به دنبال غرق در خوشی و لذایذ بودن فراموشی ذکر خواهد بود: ولکن متعتهم و اباء هم حتی نسوا الذکر و کانوا قوماً بوراً [۵۶].

ه- فریب خوردگان از شیطان: واما ینسینک الشیطان فلا تقعد بعد الذکر مع القوم الظالمین [۵۷].

### ح- انواع اختلال‌ها و روان‌پریشی‌ها و ناسازگاری‌ها از دیدگاه قرآن

برای درک چگونگی بیماری‌ها و ناتعادلی‌های روانی در نظر قرآن باید به آیه‌های اشاره‌شده به شیطان نظر افکند. در قرآن منشاء مسائل و مشکلات، شیطان و تبعیت از اوست و ذکر شده است که شیطان بر دروغ‌گوین گنه‌کار، شعرای غلو کننده (به جز نیکوکاران صالح) نازل می‌گردد: هل انبئکم علی من تنزل الشیاطین، تنزل علی کل افاک اثیم، یلقون السمع و اکثرهم کاذبون، و الشعراء یتبعهم الغالون، الم تر انهم فی کل واد یهیمون، و انهم یقولون ما لا تفعلون، الا الذین امنوا و عملوا الصالحات [۵۸]. آنها به عنوان موجوداتی راندنی در نظر گرفته شده‌اند. ولقد زینا السماء الدنیا بمصابیح و جعلناها رجوماً للشیاطین و اعتدنا لهم عذاب السعیر [۵۹]. هم‌چنین آن‌ها متشکل از افراد انسانی و اجنگان نیز می‌توانند باشند که به یکدیگر گفتار پوچ را القاء می‌کنند تا با مؤمنان مجادله کنند: و کذالک جعلنا لکل نبی عدواً شیاطین الانس و الجن یوحی بعضهم الی بعض زخرف القول غروراً و لو شاء ربک ما فعلوه فذرهم و ما یفترون [۶۰]؛ ان الشیاطین لیوحون الی اولیائهم لیجادلکم و ان اطعتموهم انکم لمشرکون [۶۱] البته نتایج این کارها، اذیت شدن بیشتر کافران است: الم تر انا ارسلنا الشیاطین علی الکافرین توزهم از [۶۲]. در هر صورت باید از شر و گزند و سوسه‌های آن‌ها به خداوند پناه برد: قل رب اعوذ بک من همزات الشیطان [۶۳]. در یک جمع‌بندی آنها فتنه‌گر و فریبکار هستند، که فرد نباید با آن‌ها دوستی کرد: یا بنی لا یفتنکم الشیطان کما اخرج ابویکم من الجنة ینزع عنهما لباسهما لیربهما سوء تهما انه یریکم هو و قبیله من حیث لا ترونهم انا جعلنا الشیاطین اولیاء للذین لا یؤمنون [۶۴] چرا که عاقبت آن حشر با آن‌ها و وقوع در قعر جهنم است: فوربک لنحشرنهم و الشیاطین ثم لنحضرنهم حول جهنم جثاً [۶۵].

با دقت و غور در آیات قرآن، اختلال‌ها، روان‌پریشی‌ها و ناسازگاری‌هایی به شرح زیر قابل شناسایی است:

الف- **جدل و مجادله بدون علم کافی:** و من الناس من یجادل فی الله بغیر العلم و یتبع کل شیطان مرید [۶۶]؛ گروهی از مردم، بدون هیچ علم و دانشی، به مجادله درباره خدا برمی‌خیزند؛ و از هر شیطان سرکشی پیروی می‌کنند.

ب- **تولای شیطان:** یا ابت انی اخاف ان یمسک عذاب من الرحمن فتکون للشیطان ولیاً [۶۷]؛ ای پدر! من از این می‌ترسم که از سوی خداوند رحمان عذابی به تو رسد، در نتیجه از دوستان شیطان باشی! در همین خصوص، در آیاتی دیگر به زیانکار بودن کسی که دوستدار شیطان است به دلایل گمراه کردن و به آرزوهای نفسانی واداشتن توسط او تا اینکه خلق خداوند را تغییر دهند، اشاره شده است: ولا ضلنهم ولا منینهم و لا مرهم فلیغیرن خلق الله و من یتخذ الشیطان ولیاً من دون الله فقد خسر خسراناً مبیناً [۶۸]؛ و آن‌ها را گمراه می‌کنم! و به آرزوها سرگرم می‌سازم! و به آنان دستور می‌دهم که (اعمال خرافی انجام دهند، و) گوش چهارپایان را بشکافند، و آفرینش پاک خدایی را تغییر دهند! (و فطرت توحید را به شرک بیالیند!) و هر کس، شیطان را به جای خدا و لی خود برگزیند، زیان آشکاری کرده است؛ فریقا هدی و فریقا

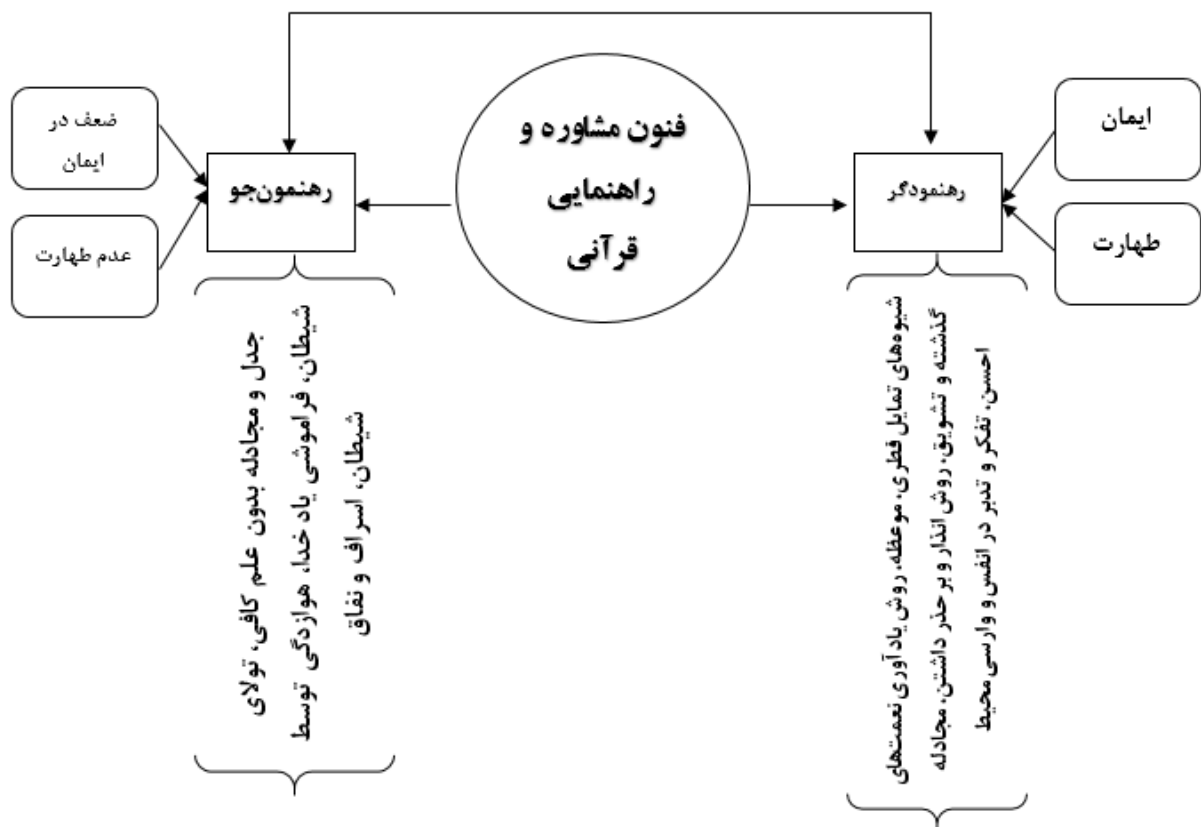
حق علیهم الضلله انهم اتخذوا الشیاطین اولیاء من دون الله و یحسبون انهم مهتدون [۶۹]: جمعی را هدایت کرده؛ و جمعی (که شایستگی نداشته‌اند،) گمراهی بر آنها مسلّم شده است. آنها (کسانی هستند که) شیاطین را به جای خداوند، اولیای خود انتخاب کردند؛ و گمان می‌کنند هدایت یافته‌اند!

ج- فراموشی یاد خدا: و من یعش عن ذکر الرحمن تقیض له شیطانا فهو له قرین [۷۰]: و آنها [= شیاطین] این گروه را از راه خدا بازمی‌دارند، در حالی که گمان می‌کنند هدایت‌یافتگان حقیقی آنها هستند!

د- هوازگی توسط شیطان: قل اندعوا من دون الله ما لا ینفعنا ولا یضرنا و نرد علی اعقابنا بعد از هدانا الله کالذی استهوت به الشیاطین فی الارض حیران [۷۱]: بگو: آیا غیر از خدا، چیزی را بخوانیم (و عبادت کنیم) که نه سودی به حال ما دارد، نه زیانی؛ و (به این ترتیب،) به عقب برگردیم بعد از آنکه خداوند ما را هدایت کرده است؟! همانند کسی که بر اثر وسوسه‌های شیطان، در روی زمین راه را گم کرده، و سرگردان مانده است.

ه- اسراف: ان المبذین اخوان الشیاطین و کان الشیطان لربه کفورا [۷۲]: چرا که تبذیرکنندگان، برادران شیاطین‌اند؛ و شیطان در برابر پروردگارش، بسیار ناسپاس بود!

و- نفاق: و اذا لقوا الذین آمنوا قالوا آمنا و اذا خلوا الی شیاطینهم قالوا انا معکم انما نحن مستهزئون [۷۳]: و هنگامی که افراد باایمان را ملاقات می‌کنند، و می‌گویند: «ما ایمان آورده‌ایم!» (ولی) هنگامی که با شیطانهای خود خلوت می‌کنند، می‌گویند: «ما با شمائیم! ما فقط (آنها را) مسخره می‌کنیم!»



شکل ۲: شبکه مضامین فنون مشاوره و راهنمایی قرآنی

## نتیجه گیری

در مشاوره و راهنمایی قرآنی رهنمون گر کسی است که مزین به صفت ایمان و طهارت است؛ مؤمن و مطهر است و برای اشاعه خیر در گیتی کوشش می کند و دیگران را به صراط ایمان و نور هدایت می کند. رهنمون جو کسی است که به علت ضعف در ایمان و طهارت به انواع فتنه ها دچار شده است و برای خروج از فتنه و سربلندی در آزمون های زندگی، نیاز به رهنمود دارد. رهنمود جو اگر از رهنمون گر مؤمن و مطهر استفاده نکند، به دامن فساد می افتد چراکه به هراندازه ای که در ایمان دچار ضعف گردیده است، تولای شیطان را پذیرفته است و شیطان جز فساد کشیدن زندگی افراد منظور و مقصود دیگری ندارد. رهنمون گر از شیوه های تمایل فطری، موعظه، روش یادآوری نعمت های گذشته و تشویق، روش انذار و برحذر داشتن، مجادله احسن، تفکر و تدبر در انفس و واریسی محیط برای هدایت رهنمون جو به منظور غلبه بر مسائل و مشکلاتی چون جدل و مجادله بدون علم کافی، تولای شیطان، فراموشی یاد خدا، هوازگی توسط شیطان، اسراف و نفاق بهره می برد.

## منابع

۱. قرآن مجید، سوره ۱۰، آیه ۵۷.
۲. قرآن مجید، سوره ۴۳، آیات ۲۷-۲۸.
۳. قرآن مجید، سوره ۲۰، آیه ۷۲.
۴. قرآن مجید، سوره ۵۷، آیه ۱۶.
۵. قرآن مجید، سوره ۲، آیه ۲۱۶.
۶. قرآن مجید، سوره ۳۰، آیه ۳۰.
۷. قرآن مجید، سوره ۶، آیه ۷۹.
۸. قرآن مجید، سوره ۳۶، آیه ۲۲.
۹. قرآن مجید، سوره ۱۱، آیه ۵۱.
۱۰. قرآن مجید، سوره ۱۷، آیه ۵۱.
۱۱. قرآن مجید، سوره ۱۰، آیه ۵۷.
۱۲. قرآن مجید، سوره ۹۳، آیات ۶-۱۱.
۱۳. قرآن مجید، سوره ۳، آیه ۱۳۸.
۱۴. قرآن مجید، سوره ۱۱، آیه ۱۲۰.
۱۵. قرآن مجید، سوره ۲، آیه ۲۷.
۱۶. قرآن مجید، سوره ۱۶، آیه ۱۲۵.
۱۷. قرآن مجید، سوره ۴، آیه ۵۸.
۱۸. قرآن مجید، سوره ۳۱، آیه ۱۳.
۱۹. قرآن مجید، سوره ۱۶، آیه ۹۰.
۲۰. قرآن مجید، سوره ۱۴، آیه ۱۷.
۲۱. قرآن مجید، سوره ۴۶، آیه ۴۶.
۲۲. قرآن مجید، سوره ۳۴، آیه ۴۶.
۲۳. قرآن مجید، سوره ۴، آیه ۳۴.
۲۴. قرآن مجید، سوره ۲، آیه ۲۳۲.
۲۵. قرآن مجید، سوره ۶۵، آیه ۲.
۲۶. قرآن مجید، سوره ۴، آیه ۶۷.
۲۷. قرآن مجید، سوره ۳، آیه ۵۸.
۲۸. قرآن مجید، سوره ۲، آیه ۲۷۵.
۲۹. قرآن مجید، سوره ۱۶، آیه ۱۲۵.
۳۰. قرآن مجید، سوره ۵۱، آیه ۲۰.
۳۱. قرآن مجید، سوره ۵۱، آیه ۲۱.
۳۲. قرآن مجید، سوره ۴، آیه ۳۲.
۳۳. قرآن مجید، سوره ۴۹، آیه ۱۳.
۳۴. قرآن مجید، سوره ۳، آیه ۱۹۵.
۳۵. قرآن مجید، سوره ۷۴، آیه ۳۸.
۳۶. قرآن مجید، سوره ۳۸، آیه ۸۲.
۳۷. قرآن مجید، سوره ۱۰، آیه ۵۷.
۳۸. قرآن مجید، سوره ۲، آیه ۲۳۱.
۳۹. قرآن مجید، سوره ۳، آیه ۱۳۸.
۴۰. قرآن مجید، سوره ۱۱، آیه ۱۲۰.
۴۱. قرآن مجید، سوره ۷، آیه ۱۴۵.
۴۲. قرآن مجید، سوره ۲، آیه ۶۶.
۴۳. قرآن مجید، سوره ۵، آیه ۴۶.
۴۴. قرآن مجید، سوره ۲۶، آیه ۱۳۶.
۴۵. قرآن مجید، سوره ۷، آیه ۱۶۴.
۴۶. قرآن مجید، سوره ۴، آیه ۶۳.
۴۷. قرآن مجید، سوره ۳، آیه ۱۵۹.
۴۸. قرآن مجید، سوره ۱۳، آیه ۲۸.
۴۹. قرآن مجید، سوره ۷، آیه ۲۰۱.
۵۰. قرآن مجید، سوره ۱۵، آیه ۹.
۵۱. قرآن مجید، سوره ۷۳، آیه ۱۹.
۵۲. قرآن مجید، سوره ۱۶، آیه ۴۴.

۵۳. قرآن مجید، سوره ۷، آیه ۳.  
۵۴. قرآن مجید، سوره ۲۰، آیه ۳.  
۵۵. قرآن مجید، سوره ۵۱، آیه ۵۵.  
۵۶. قرآن مجید، سوره ۲۵، آیه ۱۵.  
۵۷. قرآن مجید، سوره ۶، آیه ۶۸.  
۵۸. قرآن مجید، سوره ۲۶، آیه ۲۲۷.  
۵۹. قرآن مجید، سوره ۶۷، آیه ۵.  
۶۰. قرآن مجید، سوره ۶، آیه ۱۱۲.  
۶۱. قرآن مجید، سوره ۶، آیه ۱۲۱.  
۶۲. قرآن مجید، سوره ۱۹، آیه ۸۳.  
۶۳. قرآن مجید، سوره ۲۳، آیه ۹۷.  
۶۴. قرآن مجید، سوره ۷، آیه ۲۷.  
۶۵. قرآن مجید، سوره ۱۹، آیه ۶۸.  
۶۶. قرآن مجید، سوره ۲۲، آیه ۳.  
۶۷. قرآن مجید، سوره ۱۹، آیه ۴۵.  
۶۸. قرآن مجید، سوره ۴، آیه ۱۱۹.  
۶۹. قرآن مجید، سوره ۷، آیه ۳۰.  
۷۰. قرآن مجید، سوره ۴۳، آیه ۳۶.  
۷۱. قرآن مجید، سوره ۶، آیه ۷۱.  
۷۲. قرآن مجید، سوره ۱۷، آیه ۲۷.  
۷۳. قرآن مجید، سوره ۲، آیه ۱۴.

## Qur'anic counseling and guidance techniques

Javad Eynypour

### Abstract

**Background and Aim:** The Qur'an, as the most complete human guidance book, offers effective and efficient techniques and methods for counseling and guiding people, the exact nature of which can be considered as a new look at the treatment and solution of psychological problems. This research has been done with the aim of identifying and defining Quranic advice and guidance, its techniques and methods.

**Method:** This research has been done with a qualitative method of thematic analysis; In this way, those Qur'anic verses from which the characteristics of counseling and guidance were inferred were listed, and their contents were used to identify what and the nature, methods and methods of Qur'anic counseling and guidance, as well as disorders, issues and problems that they must be treated and eliminated, so the themes were identified in the form of a network.

**Results:** The analysis of the themes showed that the two characteristics of faith and purity considered as key characteristics of the Qur'anic guide. The methods of innate inclination, preaching, the method of remembering past blessings and encouragement, the method of warning and caution, good argument, thinking and contemplation in the selves and checking the environment are important methods of resolving disorders and problems. The basic themes driven from weakness in faith and cognition includes arguing without sufficient knowledge, the devil's repentance, forgetting the remembrance of God, being weathered by the devil, extravagance and hypocrisy.

**Conclusion:** In Qur'anic counseling and guidance, the guide strives to spread goodness in the universe and leads others to the path of faith and light. A seeker guidance is a person who has been subjected to all kinds of seditions due to his weakness in faith and knowledge, and needs guidance to get out of sedition and be proud in the trials of life. If the guide does not use the faithful and pure guide, he will fall into corruption because he has accepted the devil as much as he is weak in faith, and the devil has no other purpose than to corrupt people's lives.

**Keywords:** Guide, seeker guidance, Disorder, Guidance, Corruption